



یادداشتی بر فیلم «آبادانی‌ها»
ساخته کیانوش عیاری

تراژدی اندوهبار زندگی؛ زنده ماندن

محمد سلیمانی

تصویر می‌کشد. البته بازایه نگاه متفاوت. حالا شخصیت‌های فیلم عیاری در گورستان اتومبیل‌ها در پروسه جستجوی بی‌بایان ناگهان با يك آبارت ۸ میلی متری اسقاطی که تنها لنزش سالم باقی مانده، روبرو می‌شوند. عیاری از این لنز در خدمت بیان تصویری فیلمش استفاده می‌کند.

آبادانی‌ها را یکی از موفق‌ترین فیلم‌های سیاه‌بعداز انقلاب می‌دانم. البته می‌دانیم که فیلمنامه آبادانی‌ها تحت تأثیر «دزد دوچرخه» ساخته ویتوریو دسیکا و همین‌طور کتابی نوشته بارتولینی - که دزد دوچرخه هم از آن اقتباس شده است - تحریر شده و به همین خاطر نمی‌توانیم نبودن مضمون فیلم را در سینمای بعد از انقلاب، آن‌چنان که باید و شاید مورد توجه قرار دهیم، اما به هر حال وجود چند ویژگی ارزشمند و در خور اعتنا در فیلم باعث می‌شود که صرفاً به بهانه شباهت‌های انکارناپذیر این فیلم با دزد دوچرخه دسیکا، از بررسی و تحلیل آن دست نکشیم.

آبادانی‌های عیاری، گرچه در برخی لحظات - سرقت اتومبیل، تصمیم مالک مستمند اتومبیل برای دزدیدن چرخ‌های سالم يك وانت تصادفی و... - تقریباً منطبق با فیلم دزد دوچرخه طراحی و اجرا شده است، اما در يك نگاه کلی به این نکته مهم پی می‌بریم که عیاری در آبادانی‌ها با هوش و درایتی در خور اعتنا، سعی در دستیابی به يك بیان سینمایی تازه در عرصه سینمای اجتماعی داشته است. سینمایی که عیاری سعی می‌کند از منتسب شدن به آن بپرهیزد اما او را گریزی از آن نیست. لاقلا در آبادانی‌ها، عیاری اجتماعی‌ترین فیلمش را ارائه کرده است.

فیلمساز با طرح قضیه سرقت اتومبیل «درویش» مرد جنگزده‌ای که با مسافرکشی امرار معاش می‌کند،

بایه‌های درام قوی و مؤثر فیلمش را بنا می‌نهد و گرچه این تم به یاد ماندنی متعلق به دزد دوچرخه دسیکا است، اما عیاری در آدابته کردن موضوع این فیلم کاملاً موفق عمل کرده است. دوچرخه شخصیت اصلی فیلم دزد دوچرخه در ایتالیا بعد از جنگ به سرقت می‌رود و زندگی مرد تنگدست را سرشار از تیرگی و سیاهی می‌گرداند و بیگانگی فکسنی درویش هم در گرماگرم جنگ شهرها و در بنبوه جنگ طولانی - که هیچ شباهتی به جنگ‌های اول و دوم جهانی نداشت - ر بوده می‌شود.

عیاری، تم اصلی را حفظ می‌کند اما آدم‌ها را در موقعیتی متفاوت قرار می‌دهد. وضعیت بعد از جنگ معمولاً ویژگی‌های خودش را دارد. بارتولینی در کتاب دزد دوچرخه عاقبت به این نتیجه می‌رسد که در جامعه ایتالیا بعد از جنگ دزدی کاملاً مشروعیت پیدا کرده و به شغل تبدیل شده است. درویش آبادانی‌ها در بنبوه جنگ فرصت فکر کردن به ریشه‌های اجتماعی سرقت و عواملی که باعث می‌شوند کسانی اتومبیل کهنه و اسقاطی پدر يك خانواده جنگزده را به سرقت ببرند، ندارد. در اینجا علی‌رغم نظر عیاری، فیلم را بیش از شباهت به کتاب بارتولینی، شبیه دزد دوچرخه دسیکا می‌دانم. دسیکا هم به جای استفاده از شخصیت نویسنده‌ای نسبتاً مرفه که دوچرخه‌اش را می‌ربایند (شخصیت اصلی کتاب دزد دوچرخه) از مردی با شغلی پست‌تر که ر بوده شدن دوچرخه‌اش زندگی او و خانواده‌اش را کاملاً مختل کند، استفاده می‌کند. در واقع ویتوریو دسیکا از نگاه يك منتقد اجتماعی با دیدی به مراتب تلخ‌تر از بارتولینی به اروپای بعد از جنگ می‌نگرد و به این ترتیب بر میزان تأثیرگذاری فیلمش می‌افزاید. عیاری هم در این زمینه خاص، به راه دسیکا می‌رود. شخصیت اصلی فیلم آبادانی‌ها، گرچه يك آسمان جل‌آس و پاس نیست، اما جنگزده بودن و زندگی نسبتاً محقرش باعث می‌شود که سرقت اتومبیلش را به فاجعه‌ای شبیه بدانیم. درویش درحالی که بیمار و رنجور بر تخت بیمارستان بستری شده به دوستش می‌گوید که تأثیر منفی گم شدن اتومبیلش بر روحیه همسرش کمتر از تأثیر ترکش خوردن پدرش در آبادان نیست.

سینمای عیاری همواره بر این احترام برانگیز بوده است. به يك دلیل ساده. عیاری مانند بسیاری از فیلمسازان عزیز دیگر، تنها از غریزه‌اش برای ثبت تصاویر آثارش و به وجود آوردن فیلمنامه درام مناسب استفاده نمی‌کند و دانش و شعور سینمایی، به اضافه آگاهی‌های گاه ناب و منحصر به فرد اجتماعی را هم در کنار غریزه قرار داده تا بتواند لاقلا چند فیلم به یاد ماندنی در کارنامه‌اش به ثبت برساند.

از سوی دیگر او را یکی از ثابت‌قدمترین فیلمسازان مؤلف سینمای ایران می‌دانم. او آگاهانه بر تالیف در سینما تأکید می‌کند و تاکنون هم سر بلند و افتخار آفرین بوده است. او از همان نخستین فیلم بلندش - تنوره دیو - خوش درخشید و نشان داد که با ابزار سینما بیگانه نیست و صاحب اندیشه نیز هست. برای او روی آوردن به سینما حاصل يك دشمنه همیشگی است و درست به همین خاطر است که اغلب آثار او سرشار از شور و التهابی زایدالوصف است. نگاه کنیید به «آنسوی آتش» یا «شیخ کزدم» عیاری در این دو فیلم با به نمایش گذاشتن دو نوع سینمای تقریباً متفاوت، نشان داد که علاوه بر نوشتن فیلمنامه‌های خوب و منسجم، در زمینه کارگردانی هم يك سروگردن از دیگر همسالانش بالاتر است. او با شیخ کزدم، يك وجه دیگر از شخصیت هنری‌اش را هم آشکار می‌کند. او حدیث عشق قدیمی‌اش را به سینما و فیلمسازی سوپر ۸ در شیخ کزدم آن قدر خوب و ملموس حکایت می‌کند که برای همیشه در یادها باقی می‌ماند. عیاری حق دارد که شیخ کزدم را بهترین فیلمش بداند چندانکه در این فیلم بیش از دیگر آثارش حرف دلش را زده و حرف از دل برآمده هم لاجرم بر دل نشسته است. او چنین دستمایه‌ای را یکبار دیگر در آخرین فیلمش - آبادانی‌ها - هم به

فیلم ارائه کرده اند.

□

همان طور که پیش از این هم گفتیم، در فیلم آبادانی‌ها، کمتر نشانی از امید به آینده، روزنه‌ای، روشنایی خیره کننده‌ای و بالاخره امید خروج از مدار بسته رنج و عذاب را می‌بینیم نگاه عیاری به زندگی شخصیت‌های فیلم و شرایطی که در آن زندگی می‌کنند، تلخ و تیره است. حتی در صحنه‌ای که شاهد عروسی و شادی هستیم، با ورود درویش فروریخته که به سراغ دوست جتگرده‌اش می‌رود، جز تیرگی و سیاهی چیزی نمی‌بینیم. شادی لحظه‌ای خانواده درویش، بعد از اعلام خبر پیدا شدن اتومبیل هم دیری نمی‌یابد. درسکانس خوب و موثر حضور درویش در پارکینگ اتومبیل‌های اسقاطی و تصادفی و برخورد او با اتومبیل اوراق شده‌اش یک بار دیگر، رنگی از سیاهی در فیلم پراکنده می‌شود. وقتی که درویش همچون شخصیت اصلی فیلم دزد دوچرخه تصمیم می‌گیرد خود نیز دست به سرقت بزند، ترازوی اندوهبار زندگی و زنده ماندن، رنگ و بویی دیگر به خود می‌گیرد. درویش، انسان تمام شده فیلم عیاری، این بار دیگر نمی‌تواند قامت خمیده‌اش را راست کند. نمی‌تواند سرش را بالا بگیرد. تنازع بقا به هر قیمتی سیمای کره خود را به درویش نشان داده است.

لحظه‌ای که نگاهبان پارکینگ سر بزنگاه خود را به درویش که مشغول باز کردن چرخ‌های یک وانت تصادفی است می‌رساند و او را دزد بی معرفت خطاب قرار می‌دهد، به خوبی تسلط عیاری را بر فضا و شخصیت‌های آخرین فیلمش باز می‌شناسیم. درسکانس بعدی که حسن خوف اتومبیل سرهم‌بندی شده درویش را آماده بازگشت به شهر می‌کند، درویش، خسته و غمگین، سرش را روی زرده‌ها خم کرده و گویی در این دنیا نیست. و عاقبت درویش به آخر خط رسیده در حالی که برنای نوجوانش را با همان نگاه آشنا و نگران در کنار خود دارد، به سوی شهر می‌رود که قرار است آخرین ایستگاه مدار بسته زندگی درویش باشد.

□

کیانوش عیاری در کنار نگاه دقیق و موشکافانه‌اش به زندگی انسانها و در ژانر سینمای اجتماعی، آگاهانه از نمادگرایی صرف پرهیز کرده است. به عنوان مثال تصاویر زیبا و تأثیرگذار دکلهای عظیم برق که نیرو و انرژی فوق‌العاده‌ای را از بالای بیغوله‌های تاریک و سردحاشیه شهرهای بزرگ عبور می‌دهند بیش از آنکه صورتی نمادین داشته باشند، در خدمت بیان تصویری فیلم هستند.

فیلمساز در فیلم آبادانی‌ها مانند برخی همکارانش دست به یک بازی روشنفکر نمایانه - که خیلی زود ماهیت واقعی‌اش را آشکار می‌کند - زده و به راهی می‌رود که به آن معتقد است. راهی که به آشنی باتماشگران فهیم سینما ختم می‌شود. او قرار نیست به تماشاگران علاقه‌مند آثارش فخر بفروشد و البته قرار هم نیست به آنان باج بدهد. فیلم او به واسطه فضای تیره و سیاهش قطعاً با استقبال زیادی روبرو نمی‌شد اما همان معدود تماشاگران فیلم هم ناراضی از سالن سینما خارج نشدند و مهمتر از همه اینکه خود را مقبون نیافتند. عیاری راهش را پیدا کرده است. به او تبریک می‌گوییم □

می‌رسند حسن خوف را خوب می‌شناسیم و با او همراه می‌شویم او نقشی اساسی در فضا سازی درست و منطقی فیلم برعهده دارد. نگاه کنید به حضور نجسب و غیر معمولی او در یک محله نسبتاً مرفه شهر و عاقبت غذا خوردن در یک رستوران مجلل که در آن، او به همراه درویش و برنا همچون وصله‌هایی ناجور به نظر می‌رسند.

عیاری در شخصیت پردازی حسن خوف، پرهیز از قضاوت قطعی در باره شخصیت او را در دستور کارش قرار می‌دهد. او شخصیتی است که شاید تماشاگر فیلم انتظار نداشته باشد عینک برنا را از میان دستانش برآید تا فرزند نوجوان درویش به خیال گم شدن عینک به جست و جو در لابلای خرت و پرت‌های موتور سه چرخه حسن خوف بپردازد. اما این جست‌وجو در طول فیلم کار کرد دیگری هم دارد. برنا، همچون پدرش در میان آهن پاره‌ها در جست و جوی گم کرده‌اش است. اما عاقبت درمی‌یابیم که برنا برخلاف پدرش از گم شده‌اش که آن را در خانه حسن خوف و برچسمان دختر او می‌یابد می‌گذرد و دم بر نمی‌آورد. او



از دیدگاه عیاری گذشته تأسف بار درویش است و درویش هم آینده ناامید کننده برنا، از سوی دیگر می‌توان برنا را شخصیت آرمانی عیاری هم نامید. نوجوانی که برخلاف پدرش باسواد است و شیفته تصویر، دیدن و ثبت کردن، برنا، قرار است با امید به آینده، فیلم را از محصور شدن در دایره‌ای بسته نجات دهد، اما با این همه به سختی می‌توان روزنه‌ای در فیلم پیدا کرد. خود شخصیت برنا هم که از نگاه فیلمساز شخصیت آرمانی و نگاه نگران زندگی درویش است، مدام نگران و مضطرب است. به یاد آورید نگاه نگران او را به دوچرخه‌ای که ربه‌ده می‌شود، همچنین نگاه سرشار از درد و اندوه به زندگی پدر راه به یاد بیاورید.

سعید شیخ زاده به نقش برنا خوش درخشیده است و کاری کرده کارستان و سعید پورصمیمی به نقش درویش و حسن رضایی به نقش حسن خوف، هم. ایشان یکی از بهترین بازیهای همه عمر خود را در این

کیانوش عیاری با ساختن فیلم آبادانی‌ها، با صراحت براین نکته تأکید می‌کند که در جامعه ماشین‌زده و پرهیاهوی شهر، برخی حوادث و رویدادهای تلخ می‌تواند زندگی‌هایی را مختل کند و یا به کلی از هم بپاشاند. وابستگی زندگی آدمها به ساخته‌های دست خودشان به حدی است که گاه از حد انتظار هم فراتر می‌رود.

□

کیانوش عیاری در آبادانی‌ها بیش از آنکه از نگاه یک جامعه‌شناس به محیط پیرامون آدمهایش نگاه کند، از نظرگاه یک انسان شناس برجسته با شخصیت‌های فیلمش برخورد می‌کند. نگاه کنیم به برخورد درویش با سهمگین‌ترین رویداد زندگی‌اش. سرگشتگی و حیرانی او از لحظه سرقت اتومبیل تا پیدا شدنش در لابلای اتومبیل‌های تصادفی و اوراق شده و حتی بعد از آن، به شکل و شمابلی دیگر ادامه پیدا می‌کند. برخورد او با موضوع سرقت اتومبیل که از پناه آوردنش به خانه دوست و کمک گرفتن از حسن خوف - که خود علاوه بر جمع‌آوری اشیاء با ارزش اتومبیل‌های اوراق

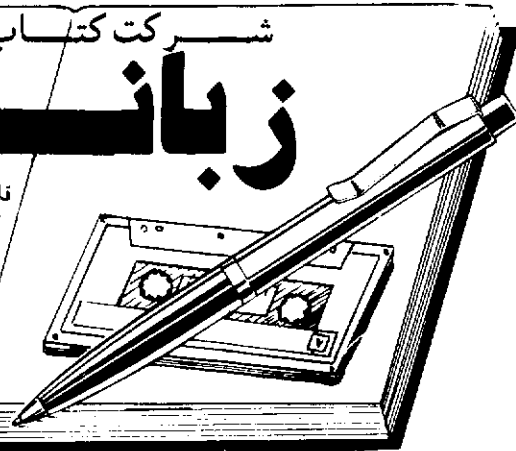
شده با سرفتهای کوچک روزگار می‌گذرانند! - آغاز می‌شود، کاملاً منطقی و حساب شده است و نشان می‌دهد که عیاری در معرفی و پرداخت شخصیت‌های فیلمش، هیچگاه کم نمی‌آورد.

نگاه کنید به شخصیت حسن خوف و همین طور برنا - پسر نوجوان درویش - فیلمساز با به خدمت گرفتن این دو شخصیت، علاوه بر آن که وجه ظریفی از طنز سیاه را به فیلمش می‌افزاید، از شباهت بیش از حد فیلم با دزد دوچرخه دسیکا هم می‌کاهد.

حسن خوف به عنوان آدم حاشیه نشینی که در عین فقر و نداری سعی می‌کند روی پای خودش بایستد، با آن خانه و زندگی سیاه و از هم پاشیده حضور ملموس و بسیار فکر شده‌ای دارد. درویش، حسن خوف و برنا به دنبال اتومبیل اوراق شده در میان آهن پاره‌های گورستان اتومبیل‌ها به جستجوی بی حاصل شان ادامه می‌دهند و آدمهای حاشیه‌ای و فروریخته شهر دو میان اتومبیل‌های اوراق شده بسیار متناسب به نظر

شرکت کتاب و نوار زبانسرا

قابل توجه آموزشگاههای زبان، مهد
کودکها و علاتمندان به فراگیری زبان آموزش
زبانهای زنده دنیا با کتاب و نوار و
فیلمهای آموزشی ویدئویی
تهران - خیابان انقلاب - اول وصال
شیرازی پلاک ۲۷
تلفن: ۶۴۶۲۱۵۲-۶۴۶۲۶۱۲



ادب فراه

تلفنی آگهی می پذیرد
۳۱۱۱۲۱۵-۳۱۱۵۰۸۶
۳۲۸۳۵۰

آموزش موسیقی سنتی

تار و سه تار ۸۸۹۲۱۳۶

آموزش موسیقی

مبتدی و پیشرفته
«موسسه هنری باربد»
۸۰۰۸۶۵۱
میدان آرژانتین خیابان الرند پلاک ۶ - ۶۲۸۸۶۱

در عرض ۷۰
ساعت

انگلیسی

صحبت کنید

تلفن ۸۴۷۲۸۲

آموزش موسیقی اصیل

«ویژه بانوان»
۹۸۹۷۸۴

مژده به دارندگان باذوق و صاحب‌دل
دوره‌های نگین سخن و مشتاقان منتظر
جلدهای بعدی

جلد هشتم نگین سخن

عبدالرفیع حقیقت (رفیع)

بازیبائی و نفاست جلد‌های قبلی در نسخه‌های
بسیار محدود در ۷۳۶ صفحه به قطع وزیری
منتشر شد. قبل از نیاب شدن نسبت به تهیه آن
اقدام فرمایند. مرکز توزیع تلفن‌های ۶۸۸۰۰۴-
۸۶۷۴۴۳-۸۶۸۴۱۵

آموزشگاه علمی
ازاد دخترانه



برای
کلاسهای کنکور
اختصاصی و عمومی
رشته‌های تجربی ریاضی فیزیک
علوم انسانی و تکدرس تقویتی اول
تاجهارم دبیرستان ثبت نام می نماید

کلاس‌ها در دو نوبت صبح و عصر
تشکیل می‌سود

نشانی: تهرانپارس تقاطع بزرگراه رسالت
ورشید نیش ۱۶۰ غربی
تلفن ۷۷۰۹۹۲-۷۸۶۳۳۰۶

تندخوانی نصرت

مبتکر و بنیانگذار تندخوانی و تقویت حافظه در ایران و عضو انجمن بین المللی مطالعه

این کلاسها چیزی بالاتر از يك معجزه است. در امتحانات ماهیانه معدل ۱۶/۹۰ و با استفاده از سیستم PQSR و تکنیک درخت حافظه و روش سین جیم معدل ثلث اولم به ۱۹/۷۲ رسید. این هم برای خودم و هم برای دیگران خیلی عجیب بود.
پویا - پ: اول تجربی و ریاضی تنها راه آسان و بهترین و کاملترین راه درس خواندن یعنی PQSR من توانستم نمراتم را از سطح ۱۰ و ۱۱ به ۱۵ برسانم.
مسعود - ج: چهارم تجربی با انجام ۸۰٪ مطالعه کاربردی فقط می توانم بگویم با معدل ۱۹/۶۸ شاگرد اول تمامی رشته های ریاضی، تجربی و انسانی شده ام. حال دانستم اگر ۱۰۰٪ انجام داده بودم معدل ۲۰ می شد.
لیلا - م: سوم دبیرستان

اول سال واقعاً از وضع درسی خودم ناامید بودم ولی با سیستم PQSR معدل ثلث اولم ۱۸/۵ شد.
فرناز - ف: سوم ریاضی هیچ وقت فکر نمی کردم که بتوانم کتابی با حجم و مطالب درمان بیماران بی دندان اثر دکتر اجلائی را در عرض ۳ روز (۵۰۰ صفحه) بخوانم و نتیجه بگیرم، با یادگیری کامل با این مهارت (PQSR) و درخت حافظه) می توان تمامی اذهان را معجزه گر کرد.
امین - م: دانشجوی دندان پزشکی نتیجه ای که در این ثلث آوردم واقعاً نه تنها خودم بلکه دیگران نیز شگفت زده شدند. وقتی کارنامه ام را با معدل ۱۸/۳۲ گرفتم شگفتی عجیبی در من و بخصوص پدر و مادرم بوجود آمد.
سپیده - ت: سوم راهنمایی

تکنیکهای تند خوانی نصرت برای کلیه رشته ها مفید و مؤثر است. بعنوان يك روانپزشک توصیه می کنیم دانش آموزان و دانشجویان هر چه زودتر این روشها را فراگیرند. سرعت مطالعه خودم با درك مطلب به بیش از ۵ برابر رسید. دکتر محمد - ب: پزشک متخصص روانپزشکی

در سراسر ایران تندخوانی یعنی نصرت

- ۱- میدان ونک - خیابان شریفی - پلاک ۱/ ۱۸ - کدپستی ۱۹۶۹۸
- ۲- خیابان انقلاب - اول فخر رازی - پلاک ۶ - کد پستی ۱۳۱۴۷
- ۳- نارمک - ضلع جنوبی میدان هفت حوض - پلاک ۶۳۶

تلفن: ۱ - ۸۰۱۷۰۷۰ - ۶۸۰۷۳۳۷

۲ - ۶۲۰۳۱۰۶ - ۶۲۶۰۲۸۳ - ۶۲۰۹۲۰۲

۳ - ۷۹۱۳۹۸ - ۷۰۵۳۰۹

منهد: ۸۲۷۸۲۰ اصفهان: ۲۲۸۲۰۵

ضوری

مکاتب ارای